

روزگار تباہی ها:

قال رسول الله (ص): يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَعْرِفُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلَ وَلَا يَظْرَفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرَ وَلَا يُؤْتَمَنُ فِيهِ إِلَّا الْخَائِنَ وَلَا يُخُونُ إِلَّا الْمُؤْتَمَنَ. يَتَّخِذُونَ الْفَيْءَ مَغْنَمًا وَالصَّدَقَةَ مَغْرَمًا وَصِلَةَ الرَّحِمِ مَنًا، وَالْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ وَتَعَدِيًّا وَذَلِكَ يُكُونُ عِنْدَ سُلْطَانِ النِّسَاءِ، وَمَشَاوِرَةِ الْأِمَاءِ، وَإِمَارَةِ الصَّبِيَّانِ.

زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن ارج نیابد، مگر فرد بی عرضه و بی حاصل، و خوش طبع و زیرک دانسته نشود، مگر فاجر، و امین و مورد اعتماد قرار نگیرد، مگر خائن؛ و به خیانت نسبت داده نشود، مگر فرد درستکار و امین! در چنین روزگاری، بیت المال را بهره شخصی خود گیرند، و صدقه را زیان به حساب آورند، و صله رحم را با منت به جای آرند، و عبادت را و سیله بزرگی فروختن و تجاوز نمودن بر مردم قرار دهند و این وقتی است که زنان، حاکم؛ و کنیزان، مشاور؛ و کودکان، فرمانروا باشند!

رابطه با خدا

قال علي (ع): من أصلح مابينه وبين الله سبحانه أصلح الله مابينه وبين الناس، ومن أصلح أمر آخرته أصلح الله له أمر دنياه، ومن كان له من نفسه واعظ كان عليه من الله حافظ.

آنکه میان خود و خدا را اصلاح کند، خدا میان او و مردم را اصلاح می کند و آنکه کار آخرت خود را درست کند خدا کار دنیای او را سامان دهد. و آنکه او را از خود بر خویشتن واعظی است خدا را بر او حافظی است.

دینداران آخر الزمان

قال علي (ع): «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ . مَسَاجِدُهُمْ يَوْمئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهَدْيِ . سَكَّانَهَا وَ عَمَارَهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ، مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ يَرُدُّونَ مِنْ شَذِّ عَنَّا فِيهَا.

وَيَسُوقُونَ مِنْ تَأَخَّرِ إِلَيْهَا . مَقُولُ اللَّهِ تَعَالَى « فَبِى حَلْفَتِ لَأَبْعَثَنَّ عَلَى أَوْلِيكَ فِتْنَةً أَتْرَكَ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ » وَ قَدْ فَعَلَ . وَ نَحْنُ نَسْتَقِيلُ اللَّهُ عَثْرَةَ الْعَقَلِ.»

مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن، در آن روزگار ساختمان مسجدهای آنان نو و تازه ساز است و از رستگاری ویران . ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین اند، فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان درآویزد . آن که از فتنه به کنار ماند بدان بازش گردانند، و آن که از آن پس افتد به سويش برانند. خدای تعالی فرماید: «به خودم سوگند، بر آنان فتنه ای بگمارم که بردبار در آن سرگردان مانند» و چنین کرده است، و ما از خدا می خواهیم از لغزش غفلت درگذرد.

آثار رفت و آمد در مسجد

قال رسول الله (ص): من أدام الأختلاف إلى المسجد أصاب إحدى ثمان: آية محكمة وأخامستفاداً وعلماً مستطرفاً ورحمة منتظرة و كلمة تدله على الهدى أو تردده عن ردى وترك الذنوب حياءً أو خشيةً.»

هر که پیوسته به مسجد رود به یکی از این هشت فایده می رسد: ۱- نشانه ای استوار (فهم آیات الهی)، ۲- دوستی قابل استفاده، ۳- دانشی تازه، ۴- رحمتی مورد انتظار، ۵- سخنی که به راه راستش کشد، ۶- یا سخنی که او را از پستی برهاند، ۷- و ترك گناهان به خاطر شرم از خدا، ۸- یا ترك گناهان به خاطر خوف از خدا.

نشانه های مکارم اخلاق

قال رسول الله (ص): مكارم الأخلاق عشرة: صدق اللسان و صدق البأس و إعطاء السائل و حسن الخلق و المكافات بالصنائع و صلة الرحم و التذم على الجار. و معرفة الحق للصاحب و قهر الضيف و رأسهن الحياء مكارم و فضائل اخلاق ده چیز است:

- ۱- راستگویی. ۲- راستگویی در وقت سختی و گرفتاری. ۳- بخشش به سائل. ۴- خوش خلقی. ۵- پاداش در مقابل کارها و ابتکارات. ۶- پیوند با خویشان. ۷- حمایت از همسایه. ۸- حق شناسی درباره دوست و رفیق. ۹- میهمان نوازی. ۱۰- در رأس همه اینها شرم و حیاست.

عوامل هلاکت آدمی

قال الحسن (ع): لاك الناس في ثلاث: الكبر، الحرص، الحسد. الكبر به هلاك الدين و به لعن إبليس. الحرص عدو النفس و به أخرج آدم من الجنة. الحسد رائد السوء و به قتل قابيل هابيل. هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر، حرص، حسد. کبر که به سبب آن دین از بین میرود و به واسطه آن، ابلیس، مورد لعنت قرار گرفت. حرص که دشمن جان آدمی است و به واسطه آن آدم از بهشت خارج شد. حسد که سررشته بدی است و به واسطه آن قابیل، هابیل را کشت

عبادت و پرستش

قال الحسن (ع): من عبد الله عبد الله له كل شيء کسی که خدا را اطاعت و عبادت کند، خداوند همه چیز را مطیع او گرداند

روشی پند دادن گناهکاران

قال الحسين (ع): جوانی خدمت امام حسین علیه السلام رسید و گفت: مرا موعظه کن. من مرد گناه کاری هستم و نمی توانم ترك گناه كنم امام فرمود: افعل خمسة أشياء و اذنب ما شئت: فاول ذلك - لا تأكل رزق الله و اذنب ما شئت! و الثاني - اخرج من ولاية الله و اذنب ما شئت! و الثالث: اطلب موضعا لا يراك الله و اذنب ما شئت! و الرابع: اذا جاء ملك الموت ليقبض روحك فادفعه عن نفسك و اذنب ما شئت! و الخامس: اذا ادخلك مالك في النار فلا تدخل في النار و اذنب ما شئت؟ :

فرمود پنج چیز را انجام بده و آنگاه هر چه می خواهی گناه کن اول: روزی خدا را نخور و هر چه خواستی گناه کن! دوم اینکه از ولایت و ملک خدا بیرون رو و هر چه خواستی گناه کن! سوم: (موقع گناه کردن) مکانی را طلب کن که خدا ترا نبیند و هر چه خواستی گناه کن! چهارم اینکه موقع آمدن ملك الموت برای قبض روح تو او را از خودت دفع کن و هر چه خواستی گناه کن! پنجم اینکه هنگامیکه مالك دوزخ ترا در آتش میافکند داخل آتش نشو و هر چه خواستی گناه کن.